

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

پنجشنبه ۱۰ اکتوبر ۲۰۲۴

از منابع دیگر

## تاریخ حافظه قوی دارد

قسمت پنجم

### جنايات ننگين نجيب و "خاد" او

خاد (خدمات اطلاعات دولتی) نفرت برانگیزترین و مخوف ترین نهاد حکومتی در بین مردم بود. ارگان های امنیتی دولت پس از تجاوز روس ها به افغانستان روی خطوط تشکیلاتی کی. جی. بی بازسازی شد. در واقع ۵۶ درصد اعضای حزب دموکراتیک خلق و ۲۸ درصد اعضای سازمان دموکراتیک جوانان با شور و هیجان آموزش عملیاتی خود را در اتحاد شوروی و در یک مرکز آموزشی در کابل فرا می گرفتند. (واسیلی متروخین)

خاد بخشی از تشکیلات سازمان استخباراتی شوروی (کی. جی. بی) به شمار می رفت. کارشناسان کی. جی. بی با حضور فعال شان در این دستگاه ترور و اختناق، شیوه های خبرچینی و جمع آوری اطلاعات مربوط به مخالفان رژیم را به اعضای خاد آموزش می دادند.

دستگاه خاد به عنوان عامل پیگرد، شکنجه و کشتار مخالفین به ویژه (بخصوص) مبارزان و آزادیخواهان شناخته می شد. تکنیک های شکنجه گری خاد شامل بیخوابی، گرسنگی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگد زدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آب جوش در روده ها، کندن موی سر و کشیدن دندان و ناخن دست و پای و ده ها نوع دیگر شکنجه بود. کی. جی. بی نه تنها تمویل و آموزش کارمندان آن را به عهده داشت، بلکه ابزارهای شکنجه مخصوص برای کشیدن ناخن را نیز در خدمت آنها گذاشته بود.

خاد در واقع دولت مستقلی بود در درون دولت، که نه تنها مردم و همه ارگانهای دولتی و دیپلمات های خارجی را زیر نظر داشت، بلکه کاخ ریاست جمهوری و پیوند های رئیس جمهور را نیز کنترل می کرد.

نجیب الله با جرأت «بیریا» رئیس پولیس مخفی استالین، حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بیگناه را بی رحمانه امضاء کرد و بدان افتخار هم می کرد.

برای اعمال یک جنایت، نجیب باید مجهز به اندیشه ای بوده باشد که ویژگی (خصوصیت) اصلی آن عدم احترام به حیات انسانها و به طور خاص به حق حیات مخالفان خود است. این عدم احترام از شرایط تربیتی و فرهنگی و حتا خصلت های ژنتیک وی برمی آید که احترام به حق حیات و رعایت حق بقای فزیزی دیگران را نیاموخته بود و به خود حق می داد تا هر مخالف سیاسی، تباری خود را «دشمن» بنامد و به هر وسیله ای از صحنه حذف کند. با آغاز ستراتیژی حذف، مراحل مختلف آن چون تطمیع، تهدید، اعمال خشونت، ترور شخصیتی و سرانجام حذف فزیزی را با شتاب زدگی عملی می کرد و رقیب را به عنوان مزاحم منافع سیاسی و ایدئولوژیک خود از بین می برد.

نجیب مردی است (نامردی بود) که در نوجوانی با روان سادیستی بر دو کلفت (خدمتگار) خانه تجاوز می کند؛ سپس پسر جوانی را به نام ببرک مورد تجاوز جنسی قرار می دهد؛ مینو خواهر کوچکش را در پشاور بر سکوی سنگی می کوبد که بعدها به اثر تورم پرده دماغ جان می سپارد؛ موی بافته مادر خود را با پوست سرش می کند؛ مادر بزرگ پیرش را زیر لت کوب می گیرد؛ بینی بهرام، مامایش را می شکند؛ مهره های کمر صالحه خواهرش را با لگد زدن آسیب می رساند؛ دو برادرش صدیق و روشن را زیر بار اهانت، مشت و لگد به بیماران روانی بدل می سازد؛ پدرش را وادار به رشوه ستانی می کند و در فرجام عضو حزب دموکراتیک خلق می شود و آنگاه با توانایی بر سکوی دانشگاه (پوهنتون) سخنرانی های داغی می کند. جادوی کلامش شماری را افسون می کند.

در سال ۱۹۷۳ به وسیله شاه محمد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت کی.جی.بی را می گیرد و با نام مستعار «پوتوموک» در آرشیف کی.جی.بی درج می شود.

پس از کودتای هفت ثور مبلغ ۲۱ میلیون ریال را از سفارت افغانستان در تهران می دزدد و هوتلی را به نام هلنا بایو در یوگوسلاوی می خرد. در ششم جدی از سوی اندره پوف به ریاست دستگاه جهانی خاد برگزیده می شود و در نخستین روزهای ماه جدی ریاست جمهوری آینده هم برایش وعده داده می شود.

سازمان خاد در مبارزه مسلحانه علیه مردم نقش فعالی داشت و در ادارات دولتی ۹۵۰۰ مخبر خاد شامل بود. تنها در فبروری ۱۹۸۱ آنها ۹۶۰۰ خانه را تلاشی کردند\* .

تنها در سال ۱۹۸۲، در دستگاه خاد ۳۵۰ جاسوس حرفه ای وابسته به کی.جی.بی و ۲۵۰ جاسوس غیرحرفه ای وجود داشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۲ خاد در ۷۵۰ عملیات گسترده محلی برای سرکوب مجاهدین سهم گرفت\* .

خاد در حدود بیست هزار جوان قبیله خدران (پکتیا) را برای تفتین و آشفته سازی روابط بین قبایل و مجاهدین را مسلح ساخت و ۴۱ میلیون افغانی را هزینه آنها کرد. خاد با ۳۱۵ تن از سران و خان های هژده قبیله به تفاهم رسید و این قبایل از کمک های مادی خاد بهره می گرفتند که افزون بر آن به رهبران آنها رشوه نیز می پرداخت.

خیربخش مری، سه پسر خوش چهره و یک دختر داشت. نجیب دخترش را با هزینه خاد برای تحصیل انگلستان فرستاد. پسران خیربخش مری هر یک موترهای آخرین مدل را با پول خاد زیر پا داشتند و هر دختری را که می خواستند به زور از شهر نو کابل با خود می بردند. روزی برادر یکی از این دختران هنگام دفاع از خواهرش به وسیله پسر خیربخش مری هدف تیراندازی قرار گرفت و جان سپرد؛ اما با پشتوانه نجیب هیچ مقامی یارای بازجویی از پسر خیربخش مری را نداشت.

نجیب برای همه خوشگذرانی ها و برنامه های غیرانسانی اش به پول هنگفتی نیاز داشت. وی سرفراز مومند را به عنوان قنسول در پشاور مقرر کرد. حاتم قیس که وکیل التجار و سرپرست بانک در پشاور بود، روایت می کرد: «روزها سرفراز مومند اسناد ساختگی می آورد و به بهانه بمب گذاری و تخریب کاری فلان جا چند ملیون، برای خرید و ترور فلان شخص چند صد هزار، برای خرید سران و خان های قبایل چند ملیون از بانک ما پول می کشید. من می دانستم که بخشی از این پول ها در جای دیگری انباشته می شود. زمانی که از قنسل پرسیدم، وی اعتراف کرد و گفت این پول ها به حساب شخصی نجیب برای روز مبادای وی انباشته می شود.»

بدین گونه نجیب از بودجه غیر قابل شمار خاد و نشر بانک نوت های بدون پشتوانه، مبلغ هشتاد میلیون دالر را به حساب شخصی خود انتقال داد و بخشی از این پول های دزدی و اختلاس خود را نزد «حاجی هزار یز» به سود گذاشته بود و بخشی از آن را با سراج حاجی در بنگاه بازرگانی «افغان کارت» سرمایه گذاری کرد.

معلمین و استاد های مکتب ها و پوهنتون، شاگرد های مکتب ها و پوهنتون، داکتر ها ، انجنیر ها ، و و به صد ها، هزاران و ده ها هزار بطور منظم، سیستماتیک و هدفمندانه بذریعه ای اگسا/کام/خاد/ واد شکنجه و به قتل رسانده شدند ... این ها واقعیت های انکار ناپذیر است که یک چشم پاره و چشم درای "خلفی"/پرچمی میتواند با کمال بی وجدانی و بی آزرمی، که سرشت و خصیصه ای طبقاتی شان است ، انکار کند ...

### انواع شکنجه زندانیان در خاد

امنیت به دست خاد - معادل کی.جی.بی - پولیس مخفی افغانستان بود. این دستگاه مکان های بازداشت [زندانیان سیاسی] را اداره می کرد و به شکنجه و قتل در مقیاس گسترده ای مبادرت می ورزید. هرچند رهبری خاد به طور رسمی به عهده داکتر نجیب الله بود، ولی «بعد از اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، مرد چهل ساله ای تاجیک تبار شوروی (روسی) به نام وطن شاه [...] مسئولیت بخش شکنجه و بازجویی دستگاه خاد را در ساختمان های خاد به عهده گرفت.» (۱) در اوایل سال ۱۹۸۶، گزارش منتشر شده توسط سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، با نکوهش از خاد، از این دستگاه به عنوان «ماشین شکنجه» توصیف کرد. (۲) خاد همچنین "دو صد خانه انفرادی" در اطراف پایتخت و همین طور در شهرهای بزرگ زندان ها و پست های نظامی را در اختیار دارد. (داشت) (۳) "با توجه به ماهیت شکنجه"، انواع تکنیک های شکنجه به گزارشگر ویژه (خاص) گزارش شده است.

یک افسر پیشین پلیس امنیت، در شهادت خود از هشت نوع شکنجه پرده برداشته است:

- ۱- شکنجه با الکتروشوک که عموماً در دستگاه های تناسلی مردان و سینه زنان مورد استفاده قرار می گرفت.

- ۲- کندن ناخن ها با وارد کردن شوک های برقی. ممنوعیت زندانیان از انجام نیازهای طبیعی شان به گونه ای که پس از مدت معینی موظف به انجام این کار در حضور سایر زندانیان شوند؛
- ۳- ورود نوک دنده های چوب به مقعد مردان به ویژه (بخصوص) به معقد زندانیان بسیار پیر و

محترم؛

- ۴- کندن ریش برخی زندانیان، به ویژه مردان سالخورده و شخصیت های مذهبی.
- ۵- فشردن گردن زندانیان برای وادار کردن شان به باز کردن دهان به منظور ادرار کردن شکنجه گر در داخل دهان شان.
- ۶- استفاده از سگ های پلیس علیه بازداشت شدگان؛
- ۷- آویزان کردن زندانیان از پاها برای مدت نامحدود.
- ۸- تجاوز به زنان زندانی با پاها و دستان گره خورده و وارد کردن ابزارهای گوناگون به مهبل/واژن شان (۵)

- ۹- گرفتن تمام خون بدن زندانیان
- به این شکنجه های جسمی باید انواع شکنجه های روانی اضافه شود از جمله:
- \*تظاهر کردن به قتل،
  - \*تجاوز به یک آشنا در مقابل زندانی،
  - \*فرمان آزادی دروغی (۶)

مشاوران [کی.جی.بی] اتحاد جماهیر شوروی در بازجویی ها شرکت می کردند و با شکنجه گران خاد هم دست می شدند.

یکی از آن مشاوران دوران خاد کریستوفر اندرو و اولگ گوردیفسکی یادآوری می کنند که "کی.جی.بی برخی از دهشت های گذشته استالینیستی خود در خاک افغانستان از نو تجربه کرده است". ماموران خاد متشکل از ۷۰۰۰۰ افغان و از آن جمله ۳۰۰۰۰ غیرنظامی می شدند که همه زیر نظارت ۱۵۰۰ افسر کی.جی.بی کار می کردند.

شرح گرفتن خون زندانیان را یک زندانی آزاد شده که زمان بقدرت رسیدن ببرک کارمل از زندان آزاد شده بود چنین روایت کرده است:

[https://m.facebook.com/story.php?story\\_fbid=۲۷۹۳۲۷۲۸۸۷۳۰۸۰۸۳&id=۲۸۹۸۳۹۷۰۴۳۶۸۰۹۳](https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=۲۷۹۳۲۷۲۸۸۷۳۰۸۰۸۳&id=۲۸۹۸۳۹۷۰۴۳۶۸۰۹۳)

زندان پل چرخه که در دوازده کیلومتری شرق کابل موقعیت دارد پر از زندانیان و پلیگون هایش پر از اجساد افرادی است که بصورت دسته جمعی زنده بگور شده اند. همچنان در پلیگون های اکادمی تخنیک و حربی پوهنتون و قوای چهار زره دار نیز زندانیان را شبانگاه برده زیر بلدوزرها زنده بگور و یا تیرباران میکردند، بیشتر مجرمین را بنام اخوانی بخاطر گذاشتن ریش و نماز خواندن و نداشتن

عضویت و یا حمایت از حزب خلق و پرچم را گرفتار میکردند که دیگر بعدها زنده و مرده‌شان معلوم نمی شد.